

اصالت نقل عین الفاظ سخنان معصومان علیهم السلام در روایات شیعهخلیل عارفی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

چکیده

احادیث از منابع اصلی تمام علوم اسلامی اند و برای پایه ریزی این علوم براساس احادیث، شیوه نقل آن‌ها اهمیت بسزایی دارد. اگر قاعده اولیه نقل، حفظ عین الفاظ احادیث باشد، در صورت تردید و نبود قرینه بر نقل به معنا، صدور الفاظ احادیث معتبر از معصوم علیهم السلام مفروض گرفته می‌شود و جزئیات و ظرافت‌های عبارات این احادیث معتبر تلقی می‌گردد. ائمه علیهم السلام نقل به معنای روایات را در صورت ناتوانی راوی از حفظ عین الفاظ جایز دانسته‌اند، اما این جواز به معنای رواج گسترده این شیوه در میان اصحاب معصومان علیهم السلام یا کثرت روایات نقل شده به معنا در احادیث موجود نیست؛ زیرا نقل به معنا مشروط به محدودیت‌هایی است و انتقال کامل معانی روایات ذووجه برای راویان دشوار بوده است. با تأمل در روایات و تحلیل تاریخ حدیث شیعه، روشن می‌شود که اصل اولیه در روایات معتبر شیعه، نقل عین الفاظ احادیث است. ائمه علیهم السلام بر کتابت و نقل عین سخنانشان تأکید داشته و این شیوه را ارجح دانسته‌اند. ایشان در جلساتی سخنان خود را بر اصحاب املا می‌کردند و اصحاب برجسته‌ای که روایاتشان به کتب اربعه و دیگر کتب حدیثی معتبر متقدم راه یافته، در مجالس صدور حدیث، عین الفاظ را می‌نوشتند. در نتیجه، غالباً عین الفاظ احادیث ثبت و نقل شده است.

کلیدواژه‌ها: نقل معنا، نقل به معنا، نقل عین الفاظ، نقل لفظ روایت، انتقال حدیث.

۱. مقدمه

احادیثی که به دست ما رسیده، ثمره قرن‌ها تلاش معصومان علیهم السلام و محدثان بزرگ است.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (arefy313.1367@gmail.com).

ائممه علیهم السلام با آینده‌نگری برای عصر غیبت امام، به اصحاب خود دستور دادند تا سخنانشان را ثبت و نقل کنند تا همه انسان‌ها در تمام دوران‌ها از رهنمودهایشان بهره‌مند شوند.^۱ اهمیت احادیث و انتقال آن‌ها چنان است که پیامبر اکرم ﷺ در روایتی، راویان حدیث را جانشینان خود پس از خویش معرفی کرده و برای آنان طلب رحمت نموده‌اند.^۲ همچنین، امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر، سخنانشان را مایه احیای دل‌ها دانسته‌اند.^۳

اکثر علوم اسلامی وابسته به احادیث است. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند:

حدیث، مادر بسیاری از علوم اسلامی یا همه آن‌هاست و از این روست که عالم و دین‌شناس بزرگ، مرحوم کلینی رحمه الله، در مقدمه الکافی شریف، حدیث را برابر با علم دین دانسته است.^۴

برای پایه‌گذاری علوم اسلامی بر احادیث، ابتدا باید چگونگی صدور حدیث از معصوم علیهم السلام بررسی شود تا مشخص گردد آیا تک‌تک الفاظ روایت از معصوم صادر شده یا مضمون سخنان ایشان نقل شده است. اگر الفاظ روایت به طور کامل از معصوم علیهم السلام نباشد، نمی‌توان احکام را بر جزئیات و ظرافت‌های عبارات آن استوار کرد. در اصطلاحات حدیثی، نقل مضمون و معنای سخنان معصوم علیهم السلام را «نقل به معنا» می‌گویند.

در کتب اصولی و علوم حدیث، مباحث فراوانی درباره نقل به معنا مطرح شده است، اما برخی جنبه‌های این موضوع، از جمله قاعده اصالت نقل عین الفاظ احادیث، کمتر مورد توجه قرار گرفته و نوشته‌ای در این باره یافت نشده است. مباحث نقل به معنا را می‌توان از زوایای مختلفی بررسی کرد. سه جهت اصلی این مباحث عبارت‌اند از:

۱. جواز یا عدم جواز نقل به معنا؛
۲. حجیت احادیث نقل شده به معنا؛
۳. اصالت نقل به معنا یا اصالت نقل عین الفاظ سخنان معصومان علیهم السلام در روایات موجود.

درباره جواز یا عدم جواز نقل به معنا، در کتب اصولی بحث‌های گسترده‌ای صورت گرفته

۱. رک: الکافی، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۱۱۰.

۲. رک: معانی الاخبار، ص ۳۷۵.

۳. رک: الخصال، ج ۱، ص ۲۲.

۴. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت افتتاح مؤسسه دارالحدیث، در تاریخ ۱۳۷۴/۸/۲۲.

است.^۱ همچنین محدثان نیز در برخی از شروح و توضیحات خود بر احادیث، مطالبی را در این مورد بیان کرده اند.^۲ برخی از فقها و محدثان نقل به معنای احادیث را جایز دانسته اند، برخی آن را غیر جایز شمرده اند، و گروهی با تفصیل، نقل به معنا را در موارد خاصی مجاز قلمداد کرده اند. این مقاله به این موضوع نمی پردازد و از تکرار مباحث مرتبط با آن پرهیز می کند. در ادامه، نظر برگزیده همراه با مطالب ضروری و پیش نیازهای آن ارائه خواهد شد.

حجیت یا عدم حجیت احادیث نقل شده به معنا به جواز یا عدم جواز نقل به معنا وابسته است. اگر کسی نقل به معنا را جایز بداند و شرایط آن رعایت شده باشد، آن سخن به عنوان روایت معتبر تلقی می شود. اما اگر کسی نقل به معنا را جایز نداند، روایت نقل شده به معنا برای او حجیت ندارد و روایت محسوب نمی شود. کسانی که قائل به تفصیل اند، بر اساس شرایطی که در قول تفصیلی خود پذیرفته اند، با روایات برخورد می کنند. با این حال، این مقاله به این جنبه نمی پردازد.

جنبه سوم بحث نقل به معنا به وضعیت روایات موجود مربوط است: آیا روایات موجود در کتب مشهور حدیثی، مانند کتب اربعه، آثار شیخ صدوق، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، و حتی جوامع حدیثی متأخر مانند بحار الانوار و وسائل الشیعه، غالباً به صورت نقل به معنا هستند یا به ندرت نقل به معنا در آن ها دیده می شود و عمدتاً عین سخنان معصومان (علیهم السلام) نقل شده است؟ به عبارت دیگر، آیا قاعده اولیه در این روایات، نقل عین الفاظ است یا نقل به معنا؟ این پژوهش به این جنبه می پردازد؛ زیرا این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته و نوشته مستقلی درباره اصالت نقل به معنا یا نقل عین الفاظ احادیث یافت نشده است.

هدف این پژوهش، تبیین قاعده اولیه در نقل روایات شیعه است: آیا اصل اولیه در روایات موجود شیعه نقل به معناست یا نقل عین الفاظ احادیث؟ در این باره، سه حالت برای روایات موجود متصور است:

- با وجود قرائن و دلایل، نقل به معنا بودن یک روایت اثبات شود؛ در این حالت، نیازی به اعمال قاعده اولیه نیست.

- با وجود قرائن و دلایل، اثبات شود که راویان در یک روایت عین سخنان معصوم (علیهم السلام) را

۱. رک: نهاية الوصول الى علم الأصول، ج ۳، ص ۴۷۰ - ۴۷۵؛ القوانين المحکمة فی الأصول، ج ۲، ص ۵۲۲؛ انیس المجتهدین فی علم الأصول، ج ۱، ص ۲۹۲.

۲. رک: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱، ص ۱۷۴.

نقل کرده‌اند؛ در این حالت نیز قاعده اولیه کاربردی ندارد.

- هیچ قرینه‌ای بر نقل به معنا یا نقل عین الفاظ وجود نداشته باشد؛ در این حالت، قاعده اولیه اعمال می‌شود.

اکثر روایات موجود در چنین حالتی‌اند که قرینه‌ای بر نقل به معنا یا نقل عین الفاظ ندارند. در این صورت، اگر قاعده اولیه نقل عین الفاظ باشد، حکم به صدور عین آن الفاظ از معصوم علیه السلام می‌شود، مشروط بر این که حدیث معتبر و موثق الصدور (یا صحیح السند) باشد. اثبات قاعده اصالت نقل عین الفاظ، وجود روایات نقل شده به معنا در کتب حدیثی مذکور را نفی نمی‌کند، بلکه احتمال نقل به معنا وجود دارد؛ اما غالب راویان احادیث شیعه عین الفاظ روایات را منتقل کرده‌اند و در اکثر روایات کتب حدیثی معتبر شیعه، عین الفاظ احادیث نقل شده است. موضوع این بحث به کتب حدیثی شیعه محدود است؛ زیرا اثبات اصالت نقل عین الفاظ در منابع روایی اهل سنت به دلیل منع صدساله کتابت حدیث دشوار است. در این مدت، نقل احادیث به صورت شفاهی بوده و در نقل شفاهی، احتمال نقل به معنا تقویت می‌شود. از این رو، این مقاله به منابع حدیثی اهل سنت نمی‌پردازد.

۲. تعریف نقل عین الفاظ

اصطلاح تأسیسی «نقل عین الفاظ و معنای آن» در مقابل «نقل به معنا» قرار دارد. به عبارت دیگر، اگر در حدیثی نقل به معنا صورت نگرفته باشد، انتقال آن حدیث به صورت نقل عین الفاظ صادر شده از معصوم علیه السلام است. استاد مسعودی در تعریف جامعی از نقل به معنا فرموده‌اند:

نقل به معنا، یعنی انتقال محتوای یک خبر بدون اصرار بر واژه‌ها و تعبیر آن.^۱

بر این اساس، نقل عین الفاظ را می‌توان چنین تعریف کرد: «نقل عین الفاظ، یعنی انتقال همان الفاظ صادر شده از معصوم علیه السلام در احادیث معتبر».

در این تعریف، عبارت «احادیث معتبر» به کار رفته است. درباره این که چه حدیثی معتبر است، میان علما اختلاف مبنایی وجود دارد. دو مبنای رایج در اعتبار احادیث، «اعتبار خبر موثق الصدور» و «اعتبار خبر صحیح السند» است که در علم حدیث به تفصیل بررسی شده‌اند. مبنای برگزیده در این مقاله، اعتبار خبر موثق الصدور است که بر اساس آن، حدیثی معتبر شمرده

۱. آسیب‌شناخت حدیث، ص ۱۱۳.

می‌شود که با گردآوری قرائن، اطمینان به صدور آن از معصوم علیه السلام حاصل شود. با این حال، اکثر روایات مورد استفاده در این پژوهش، براساس هردو مبنا معتبرند.

نقل به معنا ممکن است با تغییر واژه، حذف یا افزودن کلمه یا کلماتی صورت گیرد. با این حال، باید توجه داشت که نقل به معنا با پدیده‌های تصحیف و تحریف تفاوت اساسی دارد. تفاوت اصلی نقل به معنا با این موارد در اتحاد معنای عبارت نقل شده با عبارت اصلی حدیث است؛ به گونه‌ای که در نقل به معنا، معنای حدیث حفظ می‌شود، اما در تصحیف و تحریف، غالباً معنای روایت تغییر می‌کند. هرچند در برخی تصحیف‌ها معنای عبارت ممکن است تغییر نکند، اتحاد معنا شرط ضروری تصحیف نیست.

به دلایل مختلفی، امکان تغییر در الفاظ روایات وجود دارد. برای مثال، ممکن است در فرآیند نسخه‌برداری، کلمه یا عبارتی به اشتباه تغییر کند، واژه‌ای افزوده شود، یا کلمه‌ای حذف گردد. بنابراین، باید دقت کرد که مثال‌های ارائه شده برای نقل به معنا، در واقع نمونه‌هایی از تصحیف نباشند.

۳. ادله اثبات قاعده اصالت نقل عین الفاظ در احادیث

هدف این مقاله، اثبات قاعده اصالت نقل عین الفاظ در احادیث معتبر است. برای این منظور، در ادامه شش دلیل ارائه خواهد شد. این دلایل، هرچند به صورت مستقل مطرح می‌شوند، در مجموع استدلال را تقویت می‌کنند. برخی از ادله‌ای که برای اثبات این قاعده می‌توان اقامه کرد، به شرح زیر است:

۳-۱. سازگاری قول برگزیده در جواز نقل معنا، با اصالت نقل عین الفاظ

مرحوم مامقانی در خاتمه کتاب تنقیح المقال، درباره جواز یا عدم جواز نقل به معنای احادیث، هشت قول مطرح کرده است. دو قول نخست به جواز و عدم جواز نقل به معنا اختصاص دارد و شش قول دیگر به تفصیلات موجود در این بحث می‌پردازد.^۱

مرحوم مامقانی در تبیین قول ششم فرموده است:

هرگاه راوی الفاظ سخن معصوم علیه السلام را فراموش کند و از نقل عین الفاظ حدیث ناتوان باشد، مجاز به نقل به معناست، اما در غیر این صورت، نقل به معنا جایز نیست. این قول با روایات صادر شده درباره جواز نقل به معنا سازگاری بیشتری دارد و از این رو به عنوان قول

۱. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۰۸.

برگزیده پذیرفته شده است. از اکثر روایات دال بر جواز نقل به معنا برمی آید که تغییر عبارات حدیث باید غیر عمدی و ناشی از ناتوانی در نقل عین الفاظ باشد، به گونه ای که می توان غیر عمدی بودن تغییر عبارات را از شروط جواز نقل به معنا دانست.

در روایتی صحیح^۱ و معتبر، که دلیل اصلی جواز نقل معناست، آمده است، فردی به نام داود بن فرقد گفت:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: إِنِّي أَسْمَعُ الْكَلَامَ مِنْكَ فَأُرِيدُ أَنْ أُزَوِّيهُ كَمَا سَمِعْتُهُ مِنْكَ فَلَا يَجِيءُ. قَالَ: فَتَعَمَّدُ ذَلِكَ؟ قُلْتُ: لَا. فَقَالَ: تُرِيدُ الْمَعَانِيَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: فَلَا بَأْسَ؛^۲

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من سخن شما را می شنوم و می خواهم آن را همان گونه که از شما شنیده ام روایت کنم، اما نمی توانم [عین الفاظ را حفظ کنم]. حضرت فرمودند: آیا این کار را عمداً انجام می دهی؟ گفتم: خیر. فرمودند: آیا قصد تو انتقال معانی است؟ گفتم: آری. فرمودند: در این صورت اشکالی ندارد..

همچنین در روایتی دیگر به امام صادق علیه السلام گفته شده است:

أَسْمَعُ الْحَدِيثَ مِنْكَ فَلَعَلِّي لَا أُزَوِّيهُ كَمَا سَمِعْتُهُ. فَقَالَ: إِذَا أَصَبْتَ الصُّلْبَ مِنْهُ فَلَا بَأْسَ، إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ تَعَالَى وَهَلُمَّ وَاقْعُدْ وَاجْلِسْ؛^۳

[راوی گفت:] حدیثی از شما می شنوم، اما شاید نتوانم آن را همان گونه که شنیده ام روایت کنم. [امام علیه السلام] فرمودند: اگر جوهره و معنای اصلی آن را درست منتقل کنی، اشکالی ندارد. این [تفاوت در الفاظ] مانند تفاوت میان [گفتن] «بیا»، «بشتاب»، «بنشین» و «جای گیر» است.

در هر دو روایت پیشین، سائل الفاظ صادر شده از معصوم علیه السلام را فراموش کرده و قصد نقل عین الفاظ حدیث را دارد، اما توانایی انجام آن را ندارد؛ زیرا در هر دو روایت، عبارت «أُزَوِّيهُ كَمَا سَمِعْتُهُ» (آن را همان گونه که شنیدم روایت کنم) آمده است. در این شرایط، امام علیه السلام نقل به معنا را جایز دانسته اند. این مطلب نشان می دهد که اصل اولیه در میان راویان، نقل عین الفاظ حدیث بوده است. روایت اول این موضوع را روشن تر می کند؛ زیرا امام از راوی

۱. ارزیابی روایاتی که در این مقاله به صحیح بودن آن تصریح شده است، طبق ارزیابی برنامه درایة النور است.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۱.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۰۵.

می پرسد: «آیا عمداً از نقل عین الفاظ من خودداری کرده و معانی را نقل می کنی، یا نقل به معنا غیرعمدی و ناشی از ناتوانی تو در نقل عین الفاظ است؟» راوی پاسخ می دهد که غیرعمدی است، و امام با این شرط، نقل به معنا را جایز می شمارد. بنابراین، براساس این دو روایت، ناتوانی راوی در نقل عین الفاظ و غیرعمدی بودن نقل به معنا از شروط لازم برای جواز آن است. بدین ترتیب، استدلال قول برگزیده در جواز نقل به معنا روشن می شود.

با توجه به سؤالات راویان در این دو روایت و مشروط شدن جواز نقل به معنا به غیرعمدی بودن، می توان دریافت که سیره نقل عین الفاظ احادیث در میان راویان رایج بوده است؛ زیرا براساس سؤال این دو راوی، راویان در حالت عادی و در صورت توانایی، عین الفاظ احادیث را نقل می کردند.

اگر سیره نقل به معنا رایج بود، پرسشی درباره جواز نقل به معنا در صورت ناتوانی از نقل عین الفاظ برای راویان مطرح نمی شد.

مشروط شدن نقل به معنا به غیرعمدی بودن و ناتوانی در نقل عین الفاظ، کاربرد این شیوه را در میان راویان محدود می کند؛ زیرا راویان در صورت توانایی، عین سخنان ائمه علیهم السلام را نقل می کردند و تنها در موارد ضرورت به نقل به معنا روی می آوردند.

در نتیجه، قاعده اولیه در نقل احادیث، نقل عین الفاظ است.

علامه شعرانی نیز درباره جواز نقل به معنا فرموده است:

واجب نیست که عین الفاظ حدیث نقل شود، بلکه نقل به معنا نیز جایز است، مشروط بر این که به تدلیس منجر نشود؛ یعنی ناقل صراحتاً بیان کند که نقل به معنا کرده است، یا عادت بر این شیوه جاری باشد، مانند نقل احادیث در منابع به زبانی غیرعربی.^۱

مفهوم سخن علامه شعرانی - که به صورت جمله شرطیه بیان شده - این است که اگر نقل به معنا موجب تدلیس شود، یعنی ناقل صراحتاً اعلام نکند که نقل به معنا کرده و عادت بر نقل به معنا نباشد (مانند نقل احادیث در کتب معتبر روایی به زبان عربی)، نقل به معنا جایز نیست و نقل عین الفاظ حدیث واجب می شود. در نتیجه، دیدگاه علامه شعرانی نیز بر اصال نقل عین الفاظ احادیث تأکید دارد؛ زیرا در مواردی که راوی صراحتاً نقل به

۱. ترجمه نفس المهموم، ص ۳۵۵؛ رک: در پرتو حدیث، ص ۲۳۰.

معنا بودن را بیان کند یا عادت بر نقل به معنا جاری باشد، قرینه‌ای بر نقل به معنا وجود دارد. اما در صورت نبود قرینه، قاعده اولیه بر نقل عین الفاظ استوار است.

۳-۲. وجود شروط و محدودیت‌هایی در جواز نقل معنا

به اعتقاد محدثان، جواز نقل به معنای احادیث مشروط به محدودیت‌ها و شرایط متعددی است. این محدودیت‌ها سبب می‌شود که در منابع روایی شیعه، تعداد روایات نقل شده به معنا در مقایسه با کل روایات بسیار اندک باشد. به عبارت دیگر، بحث جواز یا عدم جواز نقل به معنا تنها به گروه محدودی از روایات مربوط می‌شود. احادیث فراوانی، مانند روایات منقول در باب ادعیه و اذکار، از دایره این نزاع خارج‌اند و به یقین، نقل به معنا در آن‌ها جایز نیست.^۱

در مکتوبات روایی، نامه‌ها، و تمامی مصنفات روایی ائمه (علیهم السلام)، نقل به معنا جایز نیست.^۲ به بیانی دیگر، شروط فراوانی برای جواز نقل معنا وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. روایت نقل شده به معنا، از حیث معنا هیچ‌گونه کاستی یا افزونی نسبت به روایت اصلی نداشته باشد^۳ و تمامی معانی برداشت شده از روایت اصلی، از روایت نقل شده نیز قابل استنباط باشد.^۴

۲. روایت نقل شده به معنا، از نظر وضوح یا ابهام معنا با روایت اصلی یکسان باشد.^۵
۳. ناتوانی راوی در نقل عین الفاظ و غیر عمدی بودن نقل به معنا، طبق روایات، از شروط لازم الرعایه برای جواز آن است.^۶

۴. روایاتی قابلیت نقل به معنا دارند که از احادیث ادعیه، اذکار، و مناجات نباشند؛ زیرا این روایات از راز و نیازهای معصومان (علیهم السلام) با خداوند متعال‌اند و الفاظ آن‌ها چنان دقیق و زیبا انتخاب شده که هیچ‌کس نمی‌تواند همان معانی را در قالبی دیگر منتقل کند.^۷

۱. تنقیح‌المقال، ج ۳، ص ۱۱۰.

۲. همان.

۳. نهاية الوصول الی علم الاصول، ج ۳، ص ۴۷۱.

۴. این شرط از روایتی قابل برداشت است، آنجا که امام در جواب سائلی که از نقل معنا پرسیده بود، فرمودند: «إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مَعَانِيَهُ فَلَا بُدَّ». (الكافي، ج ۱، ص ۵۱، ح ۲).

۵. نهاية الوصول الی علم الاصول، ج ۳، ص ۴۷۱.

۶. این شرط از روایتی، از کتاب کافی، که در قول برگزیده در جواز نقل معنا گذشت، قابل برداشت است. رک: الکافی، ج ۱، ص ۵۱، ح ۳.

۷. رک: آسیب‌شناخت حدیث، ص ۱۱۸.

۵. روایاتی که از مصنفات، مکاتبات، یا رساله‌های ائمه علیهم‌السلام نباشند؛ زیرا هیچ توجیهی برای تغییر بی‌دلیل الفاظ مکتوب توسط معصوم یا روایات ثبت شده در کتب محدثان وجود ندارد.^۱

رعایت شروط اول و دوم در نقل به معنا کاری دشوار است و کمتر راوی‌ای توانایی انتقال معنا با رعایت این شروط را دارد. از این رو، نقل عین الفاظ رواج یافته و نقل به معنا محدود شده است؛ زیرا نقل عین الفاظ آسان‌تر بوده و اصحاب معصومان علیهم‌السلام برای حفظ رهنمودهای ائمه تلاش فراوانی می‌کردند. در نتیجه، غالباً عین الفاظ احادیث نقل شده است.

با توجه به شروط فوق، در بسیاری از روایات موجود، به دلیل ویژگی‌های خاص روایت یا شرایط راوی، نقل به معنا جایز نیست. بنابراین، در غالب روایات، عین الفاظ نقل شده است. اگر کسی اشکال کند که ممکن است برخی راویان این شروط را رعایت نکرده، در رعایت آن‌ها اشتباه کرده، یا از آن‌ها بی‌اطلاع بوده باشند و از این رو نتوان گفت تعداد روایات نقل شده به معنا اندک است، در پاسخ گفته می‌شود:

محدثان شیعه در پذیرش روایات، دقت بسیاری به ناقلان حدیث داشته و از راویانی نقل می‌کردند که عادل، ضابط، و آگاه به مسائل نقل حدیث بودند. بنابراین، احتمال چنین خطاهایی با سیره و دقت محدثان شیعه سازگار نیست.

اصل عقلایی عدم خطا در این جا جاری است و اصل اولیه بر نبود خطا و اشتباه در راویان است. خطاهای احتمالی اندک و قابل چشم‌پوشی اند.

بر اساس شرط چهارم، قاعده اولیه در صحیفه سجاده و دیگر کتب روایی ادعیه، نقل عین الفاظ است؛ زیرا نقل به معنا در این روایات جایز نیست و اکثر راویان به این شروط و دستورات معصومان علیهم‌السلام پایبند بوده‌اند. در پایان این مقاله، روایاتی در تأیید شرط چهارم ارائه خواهد شد. همچنین، بر اساس شرط پنجم، در بخش نامه‌های نهج البلاغه و دیگر مکتوبات روایی شیعه، قاعده اولیه نقل عین الفاظ جاری است.

افزون بر شروط پیش گفته، برخی محققان معتقدند در احادیث کوتاه، مانند حکمت‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام، و روایاتی که چندان طولانی نیستند، انگیزه راویان برای نقل عین الفاظ بیش از نقل به معناست.^۲

۱. همان.

۲. رک: آسیب‌شناخت حدیث، ص ۱۱۸.

هنگام انشا و قرائت احادیث و خطبه‌های طولانی، به ویژه خطبه‌های حکومتی، کاتبان حضور داشته‌اند و کمتر کسی به حفظ شفاهی این متون اقدام می‌کرده است.^۱ به طور طبیعی، حفظ احادیث و خطبه‌های بلند امری دشوار است. از این رو، روایانی که در حفظ این احادیث همت می‌گماردند، برای جلوگیری از زوال این آثار، چاره‌ای جز نگارش عین الفاظ احادیث، هم‌زمان با انشا و املاي آن‌ها توسط امام علی(ع)، نداشته‌اند. در ادامه، روایاتی دال بر وجود این سیره در میان راویان ارائه خواهد شد.

در نتیجه، در تمامی روایات نهج البلاغه، قاعده اولیه بر نقل عین الفاظ استوار است؛ زیرا بخش نامه‌های آن، همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، از مکتوبات است و در بخش حکمت‌ها و خطبه‌های نهج البلاغه نیز قاعده اصالت نقل عین الفاظ جاری است. حکمت‌ها غالباً کوتاه‌اند و انگیزه نقل به معنا در آن‌ها اندک است، و خطبه‌ها عموماً طولانی‌اند و امکان نقل به معنا با رعایت شروط آن به صورت عادی وجود ندارد.

افزون بر این، وجود سجع، فصاحت، و بلاغت بالای سخنان ائمه علیهم السلام نقل به معنا را منتفی می‌سازد؛ زیرا بازآفرینی عبارات سجع‌دار، بلیغ، و فصیح به گونه‌ای که معنای اصلی حدیث حفظ شود، کاری بسیار دشوار است. از این رو، در احادیثی که دارای سجع و فصاحت و بلاغت والا هستند، قاعده اصالت نقل عین الفاظ جاری است. روایات نهج البلاغه و صحیفه سجادیه از برجسته‌ترین نمونه‌های این گونه احادیث‌اند.

علامه مجلسی در مرآة العقول، ذیل روایتی، مطالب مفصلی درباره نقل به معنا بیان فرموده و در پایان، به نقل از برخی افاضل، مطلبی را ذکر کرده که مؤید شرط پنجم (عدم جواز نقل به معنا در مصنفات) است:

بعضی از فضلا گفته‌اند: نقل به معنا تنها در نقل‌های شفاهی جایز است و در مصنفات و کتب، اکثر اصحاب شیعه معتقدند که نقل به معنای سخن و تغییر الفاظ جایز و صحیح نیست.^۲

علامه مجلسی پس از نقل قول برخی افاضل، ظاهراً با عبارت «وَهُوَ أَحْوَط» نظر نهایی خود را در تأیید این قول بیان فرموده و شیوه نقل عین الفاظ را مطابق با احتیاط دانسته است. استفاده از عبارت «بعض الأفاضل» نیز مؤیدی بر پذیرش این دیدگاه توسط ایشان است.

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. رک: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱، ص ۱۷۵.

بر اساس شرط پنجم، در احادیثی که به صورت مصنفات و اصول نگاشته شده‌اند، نقل به معنا جایز نیست. از سوی دیگر، منابع تاریخ حدیث شیعه نشان می‌دهند که اکثر اصحاب برجسته، به ویژه اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام، دارای اصل یا کتابی بودند که سخنان ائمه علیهم السلام را در آن گردآوری و ثبت می‌کردند. بنابراین، اگر ثابت شود که اصحاب در جلسات صدور حدیث، عین الفاظ سخنان معصومان علیهم السلام را در کتب خود می‌نوشتند، قاعده اصالت نقل عین الفاظ تأیید می‌شود. برای اثبات این موضوع، در ادامه به بررسی کتابت و تدوین حدیث در عصر ائمه علیهم السلام پرداخته خواهد شد.

۳ - ۳. سیره کتابت حدیث

سیره کتابت حدیث توسط اصحاب در عصر معصومان علیهم السلام و شیوه انتقال مکتوبات حدیثی، در مقابل نقل شفاهی، امری مسلم است که در تاریخ و علوم حدیث به اثبات رسیده است. ائمه علیهم السلام حتی شیوه انتقال مکتوبات حدیثی و چگونگی نسخه‌خوانی را به اصحاب خود آموخته‌اند.^۱

معصومان علیهم السلام گاه خود مقدمات و زمینه کتابت سخنانشان را فراهم می‌کردند و به برخی از افراد حاضر در جلسه دستور می‌دادند تا برای روایانی که توانایی کتابت نداشتند، مانند ابوبصیر، سخنانشان را ثبت کنند. سپس، پس از فراهم شدن شرایط کتابت، به بیان سخنان خود می‌پرداختند.^۲

گاه برخی راویان، مانند مفضل، برای نگارش احادیث در جلسات املاي حدیث توسط معصوم علیه السلام اعلام آمادگی می‌کردند.^۳ ائمه علیهم السلام نیز در برخی روایات، دلیل کتابت را جلوگیری از فراموشی و زوال عین الفاظ سخنانشان بر شمرده‌اند. از جمله، امام صادق علیه السلام در حدیثی صحیح و معتبر فرموده‌اند:

اَكْتُبُوا فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتُبُوا؛^۴

بنویسید؛ زیرا تا ننویسید، حفظ نمی‌کنید.

این روایات، همراه با قرائن پیش گفته، نشان می‌دهد که کتابت حدیث در زمان صدور آن

۱. رک: الکافی، ج ۱، ص ۵۱، ح ۵.

۲. رک: دلائل الإمامة، ص ۵۵۵.

۳. رک: توحید المفضل، ص ۴۴.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

در میان راویان امری رایج بوده و ظاهراً املائی حدیث توسط معصومان علیهم السلام نیز سیره‌ای متداول داشته است. ادله این مطالب در ادامه ارائه خواهد شد.

سیره کتابت حدیث در میان اصحاب ائمه علیهم السلام قول برگزیده در جواز نقل به معنا را نیز تأیید می‌کند. عمومی دانستن جواز نقل به معنا برای همه راویان به صورت مطلق و رضایت معصومان علیهم السلام به نقل به معنا در صورت توانایی بر نقل عین الفاظ، با تأکیدهای مکرر ائمه بر کتابت حدیث و فصاحت بالای سخنانشان سازگار نیست. بعید است ائمه علیهم السلام، که در اوج فصاحت و بلاغت بودند، هر شخصی را در هر شرایطی مجاز به تغییر الفاظ سخنانشان دانسته باشند، در حالی که کتابت عین الفاظ، بلاغت کلام را حفظ می‌کند. چنان که امام صادق علیه السلام در حدیثی صحیح و معتبر فرموده‌اند:

أَعْرِضُوا حَدِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ^۱

حدیث ما را با اعراب صحیح نقل کنید؛ زیرا ما خاندانی فصیح‌زبانیم.^۲

در ادامه، مسئله کتابت حدیث از پنج جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که با اثبات این پنج گفتار و کنار هم نهادن آن‌ها، اصالت نقل عین الفاظ احادیث موجود به وضوح ثابت می‌شود.

بیان مسئله چنین است: معصومان علیهم السلام در روایات فراوانی بر نوشتن و ثبت گفتارشان تأکید داشته‌اند. اصحاب معروف ایشان، که همان ناقلان احادیث موجودند، به این دستور عمل کرده و در مجالس صدور حدیث، سخنان امامان را کتابت می‌کرده‌اند. افزون بر آن، امامان، به ویژه امام باقر و امام صادق علیهم السلام، در جلساتی رسمی، مطالب را املا می‌کرده‌اند تا اصحاب حاضر بتوانند عین الفاظ ایشان را ثبت کنند؛ زیرا اگر امامان، گفتار خود را به شیوه‌ای ایراد می‌کردند که نوشتن آن برای اصحاب ممکن نبود، این عمل با تأکیدهای مکرر آنان بر کتابت حدیث در تضاد می‌بود. بدیهی است که فردی حکیم به امری فرمان نمی‌دهد که اجرای آن عملاً ممکن نباشد. بنابراین، از نظر عقلی^۳ و نقلی، امکان ثبت عین الفاظ احادیث در جلسات صدور وجود داشته است.

با توجه به روایت‌ها و شواهد عقلی، و نیز با در نظر گرفتن دقت، ضبط بالا و عدالت راویان

۱. همان.

۲. ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص ۶۷.

۳. در ادامه این روایات و تبیین دلیل عقلی خواهد آمد.

موثق، سیره رایج میان اصحاب امامان بر نقل عین الفاظ استوار بوده است. از این رو، اصول اولیه حدیثی غالباً بر پایه نقل دقیق و مکتوب الفاظ روایات نگاشته شده اند.

به طور طبیعی، هر کتابی که در آن نقل الفاظ حدیث با دقت بیشتری انجام شده باشد، نزد محدثان از اعتبار و شهرت بیشتری برخوردار بوده است. بر همین اساس، مؤلفان کتب اربعه و سایر آثار معتبر حدیثی، گزینش احادیث خود را از اصول و منابع حدیثی شناخته شده و مشهور انجام داده اند. بنابراین، در کتب اربعه و تمام آثار شیخ صدوق و دیگر متقدمان، قاعده اصالت نقل عین الفاظ احادیث جاری و معتبر است.

مطابق با گفتار پنجم، نقل به معنا تنها در جایی فرض دارد که نقل شفاهی رایج باشد. حال آنکه در سنت حدیثی شیعه، نقل مکتوب اصل بوده است. مجموعه های متأخر مانند بحار الأنوار و وسائل الشیعه نیز از منابع مکتوب و مورد اعتماد بهره گرفته اند. از این رو، تا زمانی که دلیل خاصی برای نقل به معنا در روایتی وجود نداشته باشد، اصل بر نقل عین الفاظ استوار خواهد بود.

افزون بر این، ادله ارائه شده در این نوشتار بر اثبات قاعده مذکور در تمام احادیث منابع معتبر شیعه قابل تطبیق است، مگر آن که نشانه ای برخلاف آن وجود داشته باشد. بنابراین، در مورد بحار الأنوار و وسائل الشیعه نیز که از کتب روایی نسبتاً معتبرند، می توان گفت قاعده اصالت نقل عین الفاظ احادیث جاری است.

در ادامه، تأثیر کتابت حدیث بر قاعده اصالت نقل عین الفاظ در قالب پنج گفتار به تفصیل بررسی خواهد شد که عبارت اند از:

۳ - ۳ - ۱. تأکید ائمه بر کتابت و ثبت احادیث

از نظر عقلی بدیهی است که نگارش عین سخنان معصومان علیهم السلام به حفظ احادیث و جلوگیری از هرگونه تغییر عمدی یا غیر عمدی در الفاظ آن ها منجر می شود. از سوی دیگر، ائمه علیهم السلام بر کتابت احادیث تأکید کرده اند تا سخنانشان محفوظ بماند. بنابراین، تشویق ائمه به کتابت، ترغیب اصحاب به نقل عین الفاظ سخنانشان بوده است. با توجه به اهتمام اصحاب ائمه به حفظ احادیث و التزام آن ها به دستورات ائمه در امر کتابت، قاعده اصالت نقل عین الفاظ اثبات می شود.

از جمله احادیثی که معصومان علیهم السلام در آن بر کتابت حدیث تأکید کرده و دلیل آن را حفظ احادیث دانسته اند، روایتی صحیح و معتبر از الکافی است که ابوبصیر می گوید از امام

صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

اَكْتُبُوا فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ حَتَّى تَكْتُبُوا؛^۱

بنویسید؛ زیرا تا ننویسید، حفظ نمی‌کنید.

براساس ظاهر روایت فوق، منظور امام صادق علیه السلام حفظ الفاظ احادیث است، نه فقط معانی آن‌ها؛ زیرا دستور به کتابت کلام معمولاً برای حفظ عین الفاظ آن است. ظاهراً عبارت «اَكْتُبُوا» بر حفظ احادیث از نابودی دلالت دارد، هرچند ممکن است مقصود حفظ الفاظ در حافظه پس از نگارش باشد. به هر حال، امام علیه السلام برای حفظ عین الفاظ احادیث به کتابت دستور داده‌اند.

روایات دیگر نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. از جمله، امام صادق علیه السلام در حدیثی صحیح و معتبر به مفضل فرموده‌اند:

الْكِتَابَةُ... وَلَوْلَا... دَرَسَتِ الْعُلُومُ وَصَاعَتِ الْأَدَابُ وَعَظُمَ مَا يَدْخُلُ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْخَلَلِ فِي أُمُورِهِمْ وَمَعَامَلَاتِهِمْ وَمَا يَخْتَاجُونَ إِلَى النَّظَرِ فِيهِ مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ وَمَا رَوَى لَهُمْ مِمَّا لَا يَسَعُهُمْ جَهْلُهُ؛^۲

اگر نگارش نبود، علوم مندرس می‌شد، آداب از بین می‌رفت، و خلل عظیمی در امور، معاملات، و مسائل دینی و ضروری مردم پدید می‌آمد. همچنین، در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام به مفضل فرموده‌اند:

اَكْتُبْ وَبُتَّ عِلْمُكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَأَوْرِثَ كُتُبَكَ بَيْنَكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ لَا يَأْنُسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ؛^۳

[احادیث ما را]^۴ بنویس و علمت را در میان برادرانت منتشر کن، و چون درگذشتی، کتب خود را به فرزندان به ارث بگذار؛ زیرا زمانی پر از فتنه بر مردم می‌آید که جز با کتب خود انس نمی‌گیرند.

این روایت، افزون بر تأکید بر کتابت حدیث، آینده‌نگری ائمه علیهم السلام و توجه ایشان به حفظ

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۲. توحید المفضل، ص ۸۰.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۴. ملا صالح مازندارانی در شرح جمله اکتب فرموده است: «یعنی اکتب الأحادیث» (شرح الکافی، ج ۲، ص ۲۶۷).

میراث حدیثی شیعه را نشان می‌دهد. براساس این حدیث، امام صادق (ع) به اصحاب خود دستور داده‌اند که به حافظه خود تکیه نکنند، احادیث را بنویسند، و کتب خود را در اختیار دیگران و آیندگان قرار دهند. از این رو، سیره اصحاب برجسته نیز پرهیز از اعتماد به حافظه و نگارش احادیث بوده است. در نتیجه، شیوه غالب انتقال احادیث شیعه، نقل مکتوبات بوده و هرچند نقل شفاهی نیز ممکن است وجود داشته باشد، نقل مکتوبات از اعتبار بیشتری برخوردار بوده و قاعده اولیه بر نقل مکتوبات استوار است.

۳ - ۲. وجود سیره کتابت حدیث توسط راویان در مجالس صدور حدیث

اصحاب ائمه (ع)، به ویژه محدثان برجسته‌ای که به دلیل دقت و ضبطشان مورد اعتماد بودند، غالباً به دستورات ائمه عمل می‌کردند. هنگامی که معصومان (ع) به کتابت حدیث دستور می‌دادند، این اصحاب در اولین فرصت، احادیث را ثبت می‌کردند. بهترین فرصت برای ضبط دقیق سخنان معصومان، نگارش در جلسات صدور حدیث بود. روایات فراوانی نیز بر سیره کتابت حدیث در این مجالس دلالت دارند. از این رو، محدثان غالباً در مجالس انشای حدیث، سخنان معصومان (ع) را می‌نوشتند.

از جمله احادیث دال بر سیره نگارش حدیث در جلسات صدور، روایتی در رجال الکشی است که ابن بکیر نقل می‌کند:

زراره برای پرسیدن سؤالی فقهی نزد امام صادق (ع) آمد و الواح همراه خود را برای ثبت سخنان امام باز کرد.^۱

در حدیثی دیگر، ابوالوضاح از پدرش نقل کرده است:

كَانَ جَمَاعَةٌ مِنْ خَاصَّةِ أَبِي الْحَسَنِ (ع) مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَشِيعَتِهِ يَخْضُرُونَ مَجْلِسَهُ وَمَعَهُمْ فِي أَكْثَامِهِمْ الْوَاحُ أَبْنُوسٌ لَطَافٌ وَأَمِّيَالٌ فَإِذَا نَطَقَ أَبُو الْحَسَنِ (ع) بِكَلِمَةٍ أَوْ أَفْتَى فِي نَازِلَةٍ أَثَبَّتَ الْقَوْمُ مَا سَمِعُوا مِنْهُ فِي ذَلِكَ؛^۲

گروهی از شیعیان و یاران خاص امام کاظم (ع) در مجالس ایشان حاضر می‌شدند و الواح نازک آبنوس و قلم‌هایی در آستین خود داشتند. هرگاه امام سخنی می‌فرمود یا در مسئله‌ای فتوا می‌داد، آن‌چه می‌شنیدند را همان‌گونه ثبت می‌کردند.

۱. رجال الکشی، ص ۱۴۳: ...وَفَتَحَ الْوَاحِيَةَ لِيَكْتُبَ مَا يَقُولُ.

۲. مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۲۲۰.

همچنین، در الکافی آمده است که امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به سؤالی فقهی فرمودند:

هنگامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فتوا می دادند، مردم فتوای ایشان را می نوشتند و آن حضرت این نوشته ها یا نسخه های کتاب شده آن ها را برای حاکمان شهرها و فرماندهان لشکر می فرستادند.^۱

سپس امام پاسخ راوی را از آن نوشته ها ارائه کردند.

این روایات نشان می دهند که سیره کتابت حدیث در مجالس صدور حدیث در میان راویان امری رایج بوده است. حتی برخی راویانی که توانایی نگارش نداشتند، مانند ابوبصیر که به دلیل ناینبایی نمی توانست بنویسد، کاتبی را برای ثبت احادیث در این مجالس به کار می گرفتند. ائمه (علیهم السلام) نیز به کتابت حدیث در جلسات صدور اهمیت فراوان می دادند؛ چنان که در یکی از مجالس، هنگامی که کاتب ابوبصیر همراهش نبود، امام صادق (علیه السلام) به او فرمودند:

آن که برای من نوشت کجاست؟

و چون ابوبصیر پاسخ داد که کاتب به دلیل کاری غایب است، امام به یکی از افراد حاضر دستور دادند سخنانشان را برای ابوبصیر بنویسد.^۲

۳ - ۳ - وجود سیره املائی حدیث توسط معصومان (علیهم السلام)

پس از اثبات تأکید ائمه (علیهم السلام) بر کتابت حدیث و سیره نگارش آن توسط اصحاب برجسته در جلسات صدور حدیث، در این گفتار اثبات می شود که غالباً معصومان (علیهم السلام) به گونه ای سخن می گفتند که اصحاب بتوانند سخنانشان را در همان جلسه ثبت کنند. به عبارت دیگر، معصومان (علیهم السلام) سخنان خود را بر اصحاب املا می کردند. این مطلب با دلایل عقلی و نقلی قابل اثبات است.

از نظر عقلی، هنگامی که معصومان (علیهم السلام) در جلسات صدور حدیث به نگارش سخنانشان دستور می دادند، باید آهسته و با وقفه سخن می گفتند تا اصحاب فرصت ثبت آن ها را داشته باشند. تند سخن گفتن با دستور به کتابت در همان جلسه و حکمت معصومان سازگار است؛ برای مثال، در دعای کمیل، امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کمیل دستور می دهند دعا را در همان جلسه بنویسد و از عبارت «اُکْتُب» استفاده می کنند.^۳

۱. الکافی، ج ۷، ص ۳۳۰: أَمَّا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: أَفْتَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَكَتَبَ النَّاسُ فُتُيَاهُ وَ كَتَبَ بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِلَى أُمَرَائِهِ وَ رُؤُوسِ أَجَنَادِهِ.

۲. رک: دلائل الإمامة، ص ۵۵۵.

۳. إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۷۰۶.

از برخی روایات نیز سیره املائی حدیث توسط معصومان علیهم السلام و نگارش آن توسط اصحاب اثبات می شود. این سیره، هرچند در میان اصحاب امام باقر و امام صادق علیهم السلام رواج بیشتری داشته، در میان اصحاب دیگران نیز وجود داشته است. البته، اکثر روایات موجود از این دو امام صادر شده اند. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل می کند:

كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ عِنْدَهُ قَوْمٌ مِنَ الْبَصَرِيِّينَ، فَحَدَّثَهُمْ بِحَدِيثِ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فِي الْحَجِّ أَمْلَاهُ عَلَيْهِمْ؛^۱

نزد امام صادق علیه السلام بودیم و گروهی از مردم بصره حضور داشتند. حضرت روایتی را که از پدرشان از جابر بن عبدالله درباره حج نقل شده بود، برای آن ها املا فرمودند.

این گزارش به وضوح سیره املا در میان اصحاب امام صادق علیه السلام را نشان می دهد. همچنین، روایتی در الکافی برای سیره دلالت دارد. احمد بن محمد بن ابی نصر، از یاران امام موسی کاظم علیه السلام، می گوید:

قَالَ لِي يَوْمًا وَأَمْلَى عَلَيَّ مِنْ كِتَابِ التَّحْتَمِ بِالزُّمَرْدِ يُسْرًا عُسْرًا فِيهِ؛^۲

روزی حضرت از روی کتابی به من املا فرمودند که انگشتر زمرد در دست کردن گشایش می آورد و دشواری در آن نیست.

افزون بر این، در ابتدای روایت طولانی توحید المفضل، مفضل نقل می کند:

فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ، أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكْتُبَ مَا تَشْرَحُهُ وَكُنْتُ أَعْدَدْتُ مَا أَكْتُبُ فِيهِ؟ فَقَالَ لِي: افْعَلْ يَا مُفَضَّلُ؛^۳

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای مولای من، آیا اجازه می دهید سخنان شما را بنویسم، در حالی که وسایل نگارش را آماده کرده بودم؟ حضرت فرمودند: ای مفضل، این کار را انجام بده.

در معنای عبارت «أَتَأْذُنُ» دو احتمال وجود دارد: نخست، این که مفضل از امام اجازه نگارش حدیث را طلب کرده باشد، که این احتمال بعید است؛ زیرا با توجه به تأکیدات مکرر معصومان علیهم السلام بر کتابت، چنین پرسشی ضرورتی نداشت و کتابت احادیث از بدیهیات

۱. الأملی (طوسی)، ص ۱۵۸.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۷۱.

۳. توحید المفضل، ص ۴۴.

بود. احتمال دوم، که قوی تر است، این است که مفضل از امام فرصت خواسته تا با نگارش همراه با املاي آهسته حضرت، سخنانشان را ثبت کند. امام نیز این درخواست را پذیرفتند. از این رو، این روایت طولانی نیز نمونه‌ای از املاي حدیث است. محقق کتاب توحید المفضل، آقای کاظم مظفر، نیز در مقدمه این کتاب به این مطلب اشاره کرده است.^۱

روایات فوق به وضوح وجود سیره املاي حدیث توسط معصومان (علیهم السلام) را اثبات می‌کنند. این سیره، هرچند در روایات غیر ادعیه نیز رایج بوده، در ادعیه و اذکار صادره از معصومان (علیهم السلام) رواج بیشتری داشته است. این امر در صحیفه سجادیه با وضوح بیشتری قابل اثبات است. متوکل بن هارون، راوی صحیفه سجادیه، می‌گوید:

ثُمَّ أَمَلَى عَلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) الْأَدْعِيَةَ؛^۲

سپس امام صادق (علیه السلام) دعاهای صحیفه را بر من املا فرمودند.

در روایات دیگر نیز عبارت «أَمَلَى عَلَيَّ»^۳ به کار رفته که بر سیره املاي سخنان ائمه (علیهم السلام) بر اصحاب دلالت دارد.

۳ - ۳ - ۴. وجود سیره نگارش عین الفاظ احادیث در راویان معروف

با اثبات سیره املاي حدیث توسط معصومان (علیهم السلام) و نگارش احادیث در جلسات صدور، سیره کتابت عین الفاظ احادیث نیز تأیید می‌شود؛ زیرا املاي حدیث به این معناست که گوینده به نویسندگان فرصت دهد تا عین الفاظ حدیث را ثبت کنند. بنابراین، کتابت عین الفاظ در مفهوم املاي حدیث نهفته است.

از سوی دیگر، در جلسات صدور حدیث، برای حفظ تمامی معانی و زوایای پنهان کلام معصومان (علیهم السلام)، نگارش عین الفاظ به مراتب آسان‌تر از نقل به معناست. اگر کاتب بخواهد هم‌زمان با گوش دادن به حدیث، معانی کلام را درک کند، آن را در قالبی جدید بریزد، و با الفاظ خود بنویسد، کاری بسیار دشوار و زمان‌بر خواهد بود. همچنین، چنین فرآیندی احتمال تحریف معانی را به شدت افزایش می‌دهد. از این رو، راویان به طور طبیعی روشی را انتخاب می‌کردند که هم آسان‌تر بود و هم احتمال تحریف را کاهش می‌داد، یعنی کتابت

۱. همان، ص ۳۰: الصادق (علیه السلام) ان أَمَلَى عَلَيَّ كتاب التوحيد.

۲. الصحیفة لسجادية، ص ۲۰.

۳. رک: الکافی، ج ۲، ص ۵۸۳.

عین الفاظ احادیث.

افزون بر دلایل عقلی، روایات متعددی بر سیره نگارش عین الفاظ احادیث در میان راویان دلالت دارند. دسته‌ای از روایات با عباراتی صریح بر نقل عین الفاظ تأکید می‌کنند. برای مثال، در گزارشی آمده است:

فَتَحَّ الْأَوَاحُ لِيَكْتُبَ مَا يَقُولُ؛^۱

زراره لوح‌های خود را گشود تا دقیقاً آن چه امام می‌فرماید بنویسد.

در عبارتی دیگر نقل شده:

فَإِذَا نَطَقَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام بِكَلِمَةٍ أَوْ أَفْتَى فِي نَازِلَةٍ أَثَبَّتَ الْقَوْمُ مَا سَمِعُوا مِنْهُ؛^۲

هرگاه امام کاظم عليه السلام سخنی می‌فرمود یا فتوایی می‌داد، افراد آن چه می‌شنیدند را همان‌گونه ثبت می‌کردند.

همچنین، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

نَصَّرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مِنَّا حَدِيثًا فَأَذَاهُ كَمَا سَمِعَ؛^۳

خداوند روی کسی را سفید کند که حدیثی از ما بشنود و آن را همان‌گونه که شنیده به دیگران برساند.

دسته‌ای دیگر از روایات با صراحت بیشتری بر نقل عین الفاظ دلالت دارند. روایات دسته اول نشان می‌دهند که برخی اصحاب دقیقاً آن چه از امام می‌شنیدند را ثبت می‌کردند. در دسته دوم، ائمه عليهم السلام صراحتاً تأکید کرده‌اند که احادیث باید همان‌گونه که شنیده شده، بدون کم و کاست، نوشته و منتقل شود. آن‌ها نقل عین الفاظ را بهترین و مطمئن‌ترین شیوه نقل حدیث دانسته و بر آن تأکید کرده‌اند. اصحاب ائمه نیز غالباً به این دستورات عمل می‌کردند.

از جمله روایات دسته دوم، روایتی مشهور از سلیم است که در آن امیرالمؤمنین عليه السلام راویان را به چهار دسته تقسیم کرده و درباره دسته چهارم، که مورد تأیید ایشان‌اند، می‌فرماید:

حَفِظَ مَا سَمِعَ عَلَى وَجْهِهِ فَجَاءَ بِهِ كَمَا سَمِعَ، لَمْ يَزِدْ فِيهِ وَلَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ؛^۴

۱. رجال الکشی، ص ۱۴۳.

۲. مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۲۲۰.

۳. کنز الفوائد، ج ۲، ص ۳۱.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۶۳.

[راوی حدیث باید] همان‌گونه که حدیث را از معصوم شنیده است، آن سخن را ثبت کند [و از آن نگهداری کند] هیچ کلمه‌ای از آن نکاهد و هیچ کلمه‌ای نیز بدان اضافه نکند.

همچنین، امام صادق علیه السلام در روایتی صحیح و معتبر فرموده‌اند:

هُوَ الرَّجُلُ يَسْمَعُ الْحَدِيثَ فَيَحَدِّثُ بِهِ كَمَا سَمِعَهُ لَا يَزِيدُ فِيهِ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ؛^۱

[پیروی کننده از احادیث] کسی است که زمانی که حدیثی را می‌شنود آن را چنان‌که شنیده بی‌کم و زیاد بازگو کند.

هرچند ممکن است برخی محدثان از این سیره پیروی نکرده و احادیث را به صورت نقل به معنا ثبت کرده باشند، اکثر راویان برجسته و شناخته شده، که احادیث از آن‌ها اخذ می‌شد و کتبشان در میان محدثان معتبر بود، به ضبط دقیق احادیث شهرت داشتند. صاحبان کتب اربعه و دیگر محدثان نیز غالباً از منابعی استفاده می‌کردند که صاحبان آن‌ها در میان راویان معتبر بودند. بنابراین، قاعده اولیه بر کتابت و نقل عین الفاظ احادیث استوار است.

۳ - ۳ - ۵. نگاشته شدن اصول اولیه توسط راویان معروف و انتقال آن‌ها به جوامع روایی شیعه «اصل» به نوشته‌هایی اطلاق می‌شود که اصحاب معصومان علیهم السلام سخنان شنیده شده از ائمه را در آن‌ها ثبت می‌کردند. به گفته پدر علامه مجلسی، مراد از اصول چهارصدگانه اولیه، کتبی است که محدثان به آن‌ها اعتماد داشته و از آن‌ها حدیث نقل می‌کردند. هرچند مصنفات فراوانی در عصر ائمه علیهم السلام وجود داشته و برخی گفته‌اند اصحاب امام صادق علیه السلام تا چهار هزار نوشته داشته‌اند، اصول چهارصدگانه به مصنفات معتبری گفته می‌شود که صاحبان آن‌ها از راویان برجسته و مورد اعتماد بودند.^۲

در گفتارهای پیشین ثابت شد که اکثر اصول معتبر توسط راویان معروف در جلسات صدور حدیث نگاشته می‌شدند. غالباً هنگامی که ائمه علیهم السلام، به ویژه امام باقر و امام صادق علیهم السلام، سخن می‌گفتند، اصحاب عین آن سخنان را ثبت می‌کردند و بدین سان اصول معتبر اولیه پدید آمدند. در این گفتار اثبات می‌شود که صاحبان کتب اربعه و دیگر کتب حدیثی متقدم، احادیث خود را از میان همین اصول معتبر انتخاب و در کتب خود نقل

۱. همان، ج ۱، ص ۵۱.

۲. رک: روضة المتقين فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶.

کرده‌اند. در نتیجه، در این کتب، قاعده اولیه برنقل عین الفاظ احادیث استوار است. این مطلب با مراجعه به سخنان محدثان بزرگ شیعه قابل اثبات است.^۱ پدر علامه مجلسی فرموده است:

اخْتَارُوا مِنْ جُمْلَتِهَا وَجُمْلَةِ مَا نَقَلَهُ أَصْحَابُ بَقِيَّةِ أَيْمَتِنَا عليهم السلام أَرْبَعًا كِتَابَ وَ سَمَوَهَا الْأُصُولَ وَ كَانَتْ هَذِهِ الْأُصُولُ عِنْدَ أَصْحَابِنَا وَ يَعْمَلُونَ عَلَيْهَا مَعَ تَقْرِيرِ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ فِي أَرْبَعَتِهِمْ إِيَّاهُمْ عَلَى الْعَمَلِ بِهَا وَ كَانَتْ الْأُصُولُ عِنْدَ ثِقَةِ الْإِسْلَامِ وَرِئَاسِ الْمُحَدِّثِينَ وَ شَيْخِ الطَّائِفَةِ وَ جَمَعُوا مِنْهَا هَذِهِ الْكُتُبَ الْأَرْبَعَةَ؛^۲

از میان کتب نگاشته‌شده توسط اصحاب ائمه عليهم السلام، چهارصد کتاب برگزیده شد و اصول نامیده شدند. این اصول نزد اصحاب شیعه بود و با تأیید ائمه‌ای که در زمان آن‌ها می‌زیستند، بر اساس آن‌ها عمل می‌کردند. این اصول نزد ثقه الاسلام [کلینی]، رئیس‌المحدثین [شیخ صدوق]، و شیخ الطائفة [شیخ طوسی] موجود بود و کتب اربعه از آن‌ها گردآوری شد.

بنابراین، با استناد به این پنج گفتار و دلایل ذکرشده، در روایات کتب اربعه، کتب حدیثی شیخ صدوق، و دیگر کتب حدیثی معتبر متقدم، قاعده اولیه برنقل عین الفاظ احادیث است.

۴. رجحان و مطلوبیت نقل عین الفاظ احادیث نسبت به نقل معنا

بدیهی است که با توجه به بار معنایی خاص هر لفظ و عبارت، و تفاوت معنایی آرایه‌های ادبی در هر زبان، نقل دقیق گفتار بر تصرف و تغییر الفاظ اصلی برتری دارد. این برتری در زبان عربی، به دلیل ظرافت و دقت آن، آشکارتر است و در تعبیر دینی ظریف معصومان عليهم السلام این رجحان دوچندان می‌شود. از این رو، قاعده اولیه برنقل عین الفاظ سخنان معصومان عليهم السلام در احادیث استوار است.

به بیان دیگر، با امکان حفظ ذهنی یا ثبت کتبی عین الفاظ احادیث، تردیدی در اولویت این شیوه برنقل به معنا وجود ندارد. روایان شیعه، که غالباً در نقل احادیث دقت داشته و در حفظ رهنمودهای معصومان عليهم السلام اهتمام می‌ورزیدند، قاعداً از این روش برتر بهره برده و عین

۱. رک: منع تدوین حدیث، ص ۶۷۳ - ۶۹۶.

۲. روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۶.

الفاظ سخنان ائمه علیهم السلام را منتقل کرده اند.

روایات متعددی نیز صراحتاً بر برتری نقل عین الفاظ بر نقل به معنا دلالت دارند. از جمله، ابوبصیر در روایتی صحیح و معتبر نقل می کند:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَوْلَ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»، قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَسْمَعُ الْحَدِيثَ فَيُحَدِّثُ بِهِ كَمَا سَمِعَهُ لَا يَزِيدُ فِيهِ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ؛^۱

به امام صادق عليه السلام درباره آیه «کسانی که سخنان را می شنوند و از بهترین آن پیروی می کنند» عرض کردم. حضرت فرمودند: او کسی است که حدیثی را می شنود و آن را همان گونه که شنیده، بی کم و کاست بازگو می کند.

همچنین، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

نَصَّرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مِنَّا حَدِيثًا فَأَذَاهُ كَمَا سَمِعَ؛^۲

خداوند روی کسی را سفید کند که حدیثی از ما [معصومان] شنود و آن را همان گونه که شنیده [با همان الفاظ و بدون هیچ زیاده و نقصانی] به دیگران برساند.

۵. عدم انتقال تمام معانی و مقاصد احادیث توسط نقل معنا، در اکثر روایات

تمامی معانی احادیث و مراد معصومان علیهم السلام از صدور آن ها از طریق نقل به معنا منتقل نمی شود؛ زیرا احادیث، مانند قرآن، دارای معانی باطنی و پنهان اند و هر کلامی از ائمه علیهم السلام ممکن است تا هفتاد بطن و وجه داشته باشد. چنین کلامی، که دارای بطن و وجوه متعدد است، باید با همان الفاظ نقل شود تا معانی پنهان آن حفظ گردد؛ زیرا تغییر الفاظ به نقل به معنا، بطن و وجوه کلام را از بین می برد. اکثر اصحاب معصومان علیهم السلام به این امر آگاه بوده و در حفظ و انتقال تمامی معانی سخنان ایشان اهتمام داشتند. از این رو، قاعده اولیه و سیره رایج میان آن ها نقل عین الفاظ احادیث بوده است.

روایات متعددی بر وجود بطن و وجوه پنهان در سخنان معصومان علیهم السلام دلالت دارند. از جمله، امام صادق عليه السلام در حدیثی صحیح و معتبر فرمودند:

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۱.

۲. کنز الفوائد، ج ۲، ص ۳۱.

إِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفُ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرُجُ؛^۱

هر کلمه از کلام ما بر هفتاد وجه قابل تعبیر است و ما از همه آن‌ها راه برون‌رفت داریم.

این روایت مطلق است و ظاهراً شامل تمام سخنان معصومان علیهم‌السلام می‌شود.

چنان‌که در شروط نقل به معنا ذکر شد، جواز آن منوط به انتقال کامل معانی کلام اصلی، بدون هیچ زیاده یا نقصانی، و حفظ وضوح یا خفای معنا مطابق با کلام اصلی است. با وجود این شروط و با توجه به بطون متعدد روایات، نقل به معنا بسیار دشوار می‌شود. از این رو، قاعده اولیه در روایات، نقل عین الفاظ است.

افزون بر این، احادیث، مانند قرآن، دارای محکم و متشابه‌اند و فهم متشابهات نیازمند ارجاع به محکّمات است. درک متشابهات روایات فرآیندی پیچیده و زمان‌بر است و نیاز به تسلط بر روایات دارد. بنابراین، بعید است راوی بتواند هم‌زمان با گوش دادن به حدیث و نگارش آن، معنای متشابهات را درک کرده، آن را با الفاظ جدید معادل‌سازی کند و بنویسد. این مطلب، هرچند به قوت دلایل پیشین نیست، مؤیدی بر اصالت نقل عین الفاظ است.

۶. تأکید معصومان علیهم‌السلام بر نقل عین الفاظ سخنانشان

در برخی روایات، اصحاب ائمه علیهم‌السلام سخنان معصوم را با الفاظی دیگر بازگو کرده^۲ یا کلمه‌ای به آن افزوده یا کاسته‌اند.^۳ معصومان علیهم‌السلام در این موارد، آن‌ها را از این کار نهی کرده و به نقل عین الفاظ سخنانشان دستور داده‌اند، با این بیان که: «هرچند سخن توصیح است، دقیقاً همان الفاظی را که گفته‌ام بازگو کن». در این روایات، استفاده از عبارت «قُلْ كَمَا أَقُولُ» صراحتاً بر اصالت نقل عین الفاظ احادیث دلالت دارد. به عنوان نمونه، در روایتی صحیح و معتبر، امام صادق علیه‌السلام برای آموزش دعای غریق به یکی از اصحاب فرمودند:

يَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

راوی گفت:

۱. معانی الاخبار، ص ۲.

۲. رک: الکافی، ج ۲، ص ۵۲۷: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: إِنَّ بِيَدِهِ الْخَيْرَ، وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ.

۳. رک: الخصال، ج ۲؛ ص ۴۵۲: فَقَالَ [الصادق علیه‌السلام]: يَا هَذَا لَا شَكَّ فِي أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ.

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

امام او را از افزودن کلمه «الْأَبْصَارِ» نهی کرده و فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ وَالْأَبْصَارَ، وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ؛^۱

خداوند مقلب القلوب و الابصار است، اما همان گونه که می گویم بگو: ای مقلب القلوب، قلبم را بر دینت استوار کن.

این روایت به وضوح نشان دهنده توجه معصومان علیهم السلام به نقل عین الفاظ است.

اگر کسی اشکال کند که این روایات به ادعیه و اذکار اختصاص دارند و نمی توان حکم آن ها را به سایر احادیث تعمیم داد؛ زیرا در روایت در الکافی جواز نقل به معنا را بیان کرده اند^۲ و در صورت عدم اختصاص این روایات به ادعیه، تضادی میان این دو دسته روایت پدید می آید، در پاسخ گفته می شود:

اولاً، طبق قول برگزیده در جواز نقل به معنا، هیچ تضادی میان این دو دسته روایت وجود ندارد. همان گونه که با دلایل متعدد بیان شد، جواز نقل به معنا محدود به مواردی است که راوی توانایی نقل عین الفاظ را نداشته باشد و این نقل غیر عمدی باشد. بنابراین، روایاتی که بر نقل عین الفاظ تأکید دارند، مختص ادعیه نیستند. در روایاتی که امام فرموده اند «قُلْ كَمَا أَقُولُ»، مقصود این است که در حالت عادی و با توانایی، عین الفاظ بازگو شود. در روایت الکافی نیز ناظر به حالتی است که راوی قادر به نقل عین الفاظ نیست. با این تبیین، دلیلی بر اختصاص این روایات به ادعیه وجود ندارد.

ثانیاً، در برخی روایات، ائمه علیهم السلام به صورت مطلق به اصحاب دستور داده اند در نقل سخنانشان دقت کنند و این دستور شامل همه احادیث، نه فقط ادعیه، می شود. برای مثال، امام صادق علیه السلام در حدیثی صحیح و معتبر فرمودند:

أَعْرِضُوا حَدِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ؛^۳

احادیث ما را با اعراب صحیح نقل کنید؛ زیرا ما خاندانی فصیح زبانیم.

علامه مجلسی در مرآة العقول برای این حدیث چهار احتمال ذکر کرده است:

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲. رک: الکافی، ج ۱، ص ۵۱، ح ۳۰۲.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

(۱) مشخص کردن حروف احادیث برای جلوگیری از اشتباه با حروف مشابه؛

(۲) نمایان کردن سکون و حرکات الفاظ برای پرهیز از خطا؛

(۳) نگارش دقیق الفاظ احادیث برای تمایز از کلمات دیگر؛

(۴) رعایت اعراب گذاری مصطلح امروزی در احادیث.^۱

ایشان در پایان، رعایت همه این موارد را احتیاط آمیزتر دانسته اند.^۲

تمامی این احتمالات، اصالت نقل عین الفاظ را تأیید می کنند. احتمال سوم به صراحت بر نگارش دقیق الفاظ دلالت دارد. در احتمالات اول، دوم، و چهارم نیز تأکید بر رعایت حرکات، اعراب، و حروف، به طریق اولی بر لزوم نقل عین الفاظ دلالت می کند؛ زیرا بدون حفظ عین الفاظ، رعایت اعراب و حرکات آن ها ناممکن است. بنابراین، این حدیث به صورت مطلق بر نقل عین الفاظ تأکید دارد و به روایات خاصی محدود نیست.

۷. اشکال و جواب

چنانچه کسی به قاعده اصالت نقل عین الفاظ احادیث اشکال کند و بگوید به دلیل وجود دو روایت در کتاب الکافی^۳ که بر جواز نقل به معنا دلالت دارند و نیز حضور روایات به معنا در کتب حدیثی معتبره که ادعای اصالت نقل عین الفاظ در آن ها شده، این قاعده پذیرفتنی نیست، در پاسخ گفته می شود:

اولاً، قاعده اصالت نقل عین الفاظ با جواز نقل به معنا، چه به صورت مطلق و چه به صورت مشروط، سازگار است. این قاعده با هیچ یک از اقوال جواز نقل به معنا تعارضی ندارد؛ زیرا موضوعی کاملاً متفاوت را دنبال می کند. جواز نقل به معنا به این معناست که معصومان (علیهم السلام) در شرایط خاصی آن را مجاز دانسته اند، اما قاعده اصالت نقل عین الفاظ بیان می کند که در روایاتی که دلیلی بر نقل به معنا یا نقل عین الفاظ آن ها وجود ندارد، به نقل عین الفاظ حکم می شود.

ثانیاً، جریان قاعده اصالت نقل عین الفاظ در کتب حدیثی معتبر، وجود روایات نقل به معنا در این کتب را نفی نمی کند. ممکن است در برخی روایات، با قرائن و ادله، نقل به معنا بودن آن ها

۱. ظاهراً احتمال چهارم و اول یکسان است، ولی در کلام علامه مجلسی این دو احتمال جدا از یکدیگر آمده است.

۲. مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۸۲: الإعرابُ الإبانهُ والإفصاحُ، والمرادُ إظهارُ الحروفِ وإبانةُها بحيث لا تُشَبَّهُ بمقارباتِها، وإظهارُ حرکاتِها و سکناتِها بحيث لا تُوجِبُ اشتباهَها. ويَحْتَمَلُ أَنْ يُرَادَ بِهِ إعرابُها عندَ الكتابةِ بأنْ تُكْتَبَ الحروفُ بحيث لا تُشَبَّهُ بعضها ببعضٍ، أو يُجْعَلَ عليها ما يُسمَّى اليومَ عندَ الناسِ إعراباً، كما كان دأبُ القدماءِ، ورعايةُ الجمعِ أحوط.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۱، حدیث ۳ و ۲.

اثبات شود که در این موارد قاعده مذکور جاری نمی‌گردد. این قاعده برای مواردی تأسیس شده که هیچ دلیلی بر نقل به معنا یا نقل عین الفاظ بودن روایت وجود نداشته باشد.

ثالثاً، براساس روایات مربوط به آداب نقل و تحمل حدیث در شیعه، شیوه رایج میان راویان، نقل عین الفاظ سخنان معصومان علیهم السلام بوده است. در هیچ روایتی راویان درباره جواز نقل عین الفاظ سؤال نکرده‌اند، اما در دو روایت مورد استناد مستشکل، راوی از جواز نقل به معنا پرسیده و امام علیه السلام با شروطی آن را مجاز دانسته‌اند. این پرسش راویان نشانه خلاف سیره بودن نقل به معنا در میان اصحاب است. همچنین، در یکی از این دو روایت، راوی می‌گوید قصد نقل عین الفاظ را دارد، اما توانایی آن را ندارد و می‌پرسد در این حالت چه کند. این سؤال، رواج سیره نقل عین الفاظ را میان اصحاب تأیید می‌کند.

رابعاً، با توجه به ادله ارائه شده در این مقاله، قاعده اصالت نقل عین الفاظ احادیث اثبات شده است. دو روایت مورد استناد مستشکل و وجود روایات نقل به معنا در کتب معتبر، هیچ‌گونه تعارض یا تنافی با این قاعده ندارند. بنابراین، اشکالی بر این قاعده وارد نیست و دلیلی برای رد آن وجود ندارد.

۸. کارکرد قاعده اصالت نقل عین الفاظ احادیث

قاعده اصالت نقل عین الفاظ احادیث، کارکردی اساسی در شیوه تعامل با روایات دارد. براساس این قاعده، الفاظ موجود در مصادر معتبر روایی، همان الفاظ صادرشده از معصومان علیهم السلام تلقی می‌شوند، مگر این که دلیلی بر خلاف آن اقامه شود. بنابراین، راویان شیعه غالباً همان الفاظ صادرشده از ائمه علیهم السلام را نگاشته و منتقل کرده‌اند. این قاعده ایجاب می‌کند که نادیده گرفتن الفاظ هر حدیث معتبر یا بی‌توجهی به دقت‌ها و ظرافت‌های تعبیر روایات، نیازمند دلیل کافی و قانع‌کننده‌ای باشد که تغییر در الفاظ حدیث و عدم صدور آن‌ها از معصوم علیه السلام را اثبات کند.

در نتیجه، در صورت تردید در صدور یا عدم صدور عین الفاظ یک حدیث معتبر، بنا بر صدور آن‌ها گذاشته می‌شود و الفاظ و ظرافت‌های عبارات آن حدیث معتبر شمرده می‌شوند. علما و فقها نیز تک‌تک الفاظ احادیث و عبارات روایات را در استنباط احکام مؤثر دانسته و گاه بریک حرف یا کلمه از حدیث تمرکز کرده و براساس آن استدلال کرده‌اند. این سیره رایج میان علما و فقها و شیوه تعامل آن‌ها با احادیث، مؤیدی بر صحت و استحکام قاعده اصالت نقل عین الفاظ است.

۹. نتیجه‌گیری

ائمہ علیہم السلام نقل به معنا را در صورتی جایز دانسته‌اند که راوی توانایی نقل عین الفاظ را نداشته باشد و این نقل غیر عمدی باشد. با توجه به شروط معصومان علیہم السلام برای جواز نقل به معنا، مشخص است که در حالت عادی و در صورت امکان، راویان عین الفاظ صادر شده را ثبت و منتقل می‌کردند. اکثر راویانی که صاحبان کتب معتبر شیعه از آن‌ها حدیث اخذ کرده‌اند، ضابط و عادل بوده و به شروط ائمہ برای نقل احادیث پایبند بودند. از دیگر شروط جواز نقل به معنا، اتحاد معنا و یکسانی وضوح معنایی عبارت نقل شده با عبارت اصلی حدیث است. در ادعیه مأثور، مصنفات مکتوب، روایات طولانی، و حکمت‌های کوتاه نیز غالباً نقل به معنا صورت نمی‌گیرد. با وجود این شروط و محدودیت‌ها، نقل به معنا به گروه خاصی از روایات محدود می‌شود و هر راوی توانایی رعایت این شروط را ندارد. از این رو، راویان غالباً راه آسان‌تر و مطمئن‌تر، یعنی نقل عین الفاظ، را برمی‌گزیدند. بنابراین، قاعده اولیه در کتب معتبر روایی، نهج البلاغه، و کتب ادعیه روایی مانند صحیفه سجادیه، نقل عین الفاظ است.

ائمہ علیہم السلام بر کتابت حدیث تأکید فراوان داشتند و گاه به اصحاب دستور می‌دادند سخنانشان را در جلسات صدور حدیث بنویسند. برخی از ایشان نیز سخنان خود را در این جلسات بر اصحاب املا می‌کردند. اصحاب برجسته معصومان علیہم السلام، که روایاتشان به ما رسیده، در جلسات صدور حدیث عین الفاظ را ثبت می‌کردند. اصول اولیه، که منابع اصلی کتب اربعه و دیگر کتب حدیثی متقدم بودند، به این شیوه نگاشته شده‌اند. از این رو، قاعده اولیه در کتب اربعه و کتب حدیثی شیخ صدوق، نقل عین الفاظ احادیث است. این قاعده به کتاب یا روایت خاصی محدود نیست و در تمام کتب و روایات معتبر شیعه، که دلیلی بر نقل به معنای آن‌ها وجود ندارد، جاری می‌شود.

افزون بر این، برتری و مطلوبیت نقل عین الفاظ نسبت به نقل به معنا، ناتوانی نقل به معنا در انتقال کامل معانی و مقاصد احادیث در اکثر موارد، و تأکید معصومان علیہم السلام بر نقل عین الفاظ، از ادله‌ای هستند که قاعده اصالت نقل عین الفاظ را اثبات می‌کنند. بر اساس این قاعده، نادیده گرفتن دقت‌ها و ظرافت‌های تعبیر روایات معتبر، نیازمند دلیل کافی و قانع‌کننده‌ای است که تغییر در الفاظ حدیث را اثبات کند. بنابراین، در صورت تردید در صدور یا عدم صدور عین الفاظ یک حدیث معتبر، بنا بر صدور آن‌ها گذاشته می‌شود و الفاظ و ظرافت‌های عبارات آن حدیث معتبر شمرده می‌شوند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- إقبال الأعمال، علی بن موسی ابن طاووس، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- الأمالی، محمد بن حسن طوسی، قم، دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- آسیب شناخت حدیث، عبدالهادی مسعودی، قم، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
- تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی، بی نا (۳ جلدی)، بی جا، چاپ اول، بی تا.
- توحید المفضل، مفضل بن عمر، قم، نشر داوری، چاپ سوم، بی تا.
- الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
- در پرتو حدیث، عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۹۱ش.
- دلائل الإمامة، محمد بن جریر طبری آملی، قم، بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، محمد بن عمر کشتی، مشهد، دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، قم، مؤسسه فرهنگی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- شرح الکافی، محمد صالح مازندرانی، تهران، المكتبة الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- الصحیفة السجادیة، علی بن الحسین، قم، الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- عیون أخبار الرضا، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کنز الفوائد، محمد بن علی کراجکی، قم، دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- معانی الأخبار، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- مہج الدعوات و منهج العبادات، علی بن موسی ابن طاووس، قم، دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- نہایة الوصول إلى علم الأصول، حسن بن یوسف علامه حلی، قم، مؤسسه الإمام الصادق، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.